



پیشینه و شاخصه‌های بصری تزیینات در چوبی امامزاده حمزه دهدشت از

دوره آل‌بویه (محفوظ در موزه ملی ایران)

مهسا تندرو^۱، محمد خزایی^۲ , سید ابوتراب احمدپناه^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد گروه گرافیک، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، mahsa.tondro@modares.ac.ir

^۲ (نویسنده مسئول) استاد گروه گرافیک، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، khazaiem@modares.ac.ir

^۳ استادیار گروه گرافیک، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، ahmadp_a@modares.ac.ir

چکیده

هر دوره تاریخی دارای ویژگی‌هایی از نظر معماری و سبک تزیینات است. بررسی این ویژگی‌ها در بازشناسی آثار متعلق به ادوار مختلف مؤثر است. یکی از آثار موجود در موزه ملی ایران، در چوبی است که مختصات زمانی و مکانی دقیق آن نامشخص است. در چوبی به شماره ۳۲۹۲ یکی از آثار نفیس موزه ملی ایران به‌شمار می‌رود که اطلاعات چندانی از آن در دست نیست. براساس اطلاعات موزه، در چوبی متعلق به قرن پنجم ه‍.ق و منسوب به شهر بهبهان می‌باشد. مسئله‌ای که می‌توان اینجا مطرح کرد نقش واکاوی تزیینات موجود در این در چوبی برای شناخت ماهیت دقیق آن است. این در، مربوط به اواخر سده چهارم و یا اوایل سده پنجم ه‍.ق و متعلق به دوره حکومت آل‌بویه باشد. بر روی این در و کتیبه‌های آن اسامی پنج تن آل‌عبا و اسماء الهی، قسمتی از دعای توبه صحیفه سجادیه، آیه ۱ تا ۵۲ سوره یس، قسمتی از دعای امام زمان (عج) (اللهم ارزقنا) و نوشته‌هایی در رابطه با حاکم وقت در چهار قاب، دیده می‌شود. این پژوهش به روش تاریخی، توصیفی و تحلیلی انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که در چوبی، به فرمان آخرین حکمران آل‌بویه در منطقه فارس، بین سال‌های ۴۴۰ تا ۴۴۸ ه‍.ق ساخته شده است. اسناد موجود در مورد در گمشده امامزاده حمزه در دهه ۱۳۲۰ ش. توسط متولی آن به وزیر فرهنگ وقت، عامل مؤثر در گمانه‌زنی شناسایی مکان اصلی در را فراهم نمود. با بررسی اسناد موجود مشخص شد که در فوق به امامزاده حمزه دهدشت در شصت کیلومتری بهبهان تعلق دارد. این پژوهش با روشن نمودن وضعیت تاریخی و مکانی در و بررسی شاخصه‌های بصری تزیینات آن، این در را به عنوان اثر ارزشمند هنر شیعی آل‌بویه در سده پنجم ه‍.ق معرفی می‌کند.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی پیشینه تاریخی و هویتی در چوبی موجود در موزه ملی ایران.
۲. واکاوی شاخصه‌های تزیینات بصری موجود در چوبی مقبره امامزاده دهدشت.

سؤالات:

۱. در چوبی موجود در موزه ملی ایران دارای چه هویت زمانی و مکانی است؟
۲. در چوبی موجود در موزه ملی ایران دارای چه شاخصه‌هایی در تزیینات بصری است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۰

دوره ۱۷

صفحه ۱۰۷ الی ۱۲۵

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۰۴

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۲/۰۴

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

در چوبی،
آل‌بویه،
کتیبه،
امامزاده حمزه دهدشت،
تزیینات بصری.

ارجاع به این مقاله

تندرو، مهسا، خزایی، محمد، احمدپناه، سید ابوتراب. (۱۳۹۹). پیشینه و شاخصه‌های بصری تزیینات در چوبی امامزاده حمزه دهدشت آل‌بویه محفوظ در موزه ملی ایران. هنر اسلامی، ۱۷ (۴۰)، ۱۰۷-۱۲۵.



[dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1399.17.40.7.7/](https://doi.org/10.22034/IAS.2020.209448.1087)



[dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.209448.1087/](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.209448.1087)

مقدمه

هر منطقه جغرافیایی متناسب با اهمیت اقتصادی و فرهنگی و سیاسی، وارث یک حافظه تاریخی است. منطقه جنوب و جنوب‌شرقی ایران که در دوره‌هایی از تاریخ، محل حکمرانان شیعی مذهب بوده، دارای آثار ارزشمندی با مضامین شیعی می‌باشد که این آثار منبعی موثق در تاریخ و هنر تشیع محسوب می‌شوند. این آثار هنری شیعی علی‌رغم ارزش‌های هنری و اهمیتی که در تاریخ هنر اسلامی ایران دارند، اساساً به درستی مورد مطالعه قرار نگرفته و منابع نسبتاً کمتری از آن‌ها در دست است. یکی از این آثار ارزشمند تاریخی، در چوبی موجود در موزه ملی ایران (به شماره موزه ۳۲۹۲) است که محل کشف آن را شهرستان بهبهان ذکر کرده‌اند. این در دو لنگه با نقوش گیاهی و خطوط عالی کوفی و نسخ مثبت‌کاری شده است. هر لنگه به سه بخش با کادرهای مربع و مستطیل تقسیم شده و درون قاب مستطیل، پنج عدد قاب دایره و لوزی به کار رفته است. درون قاب‌ها و حاشیه‌ها کتیبه‌هایی به خط کوفی و نسخ وجود دارد. با بررسی ویژگی‌های تزیینی و مثبت، در مذکور را به سده پنجم هجری (یازدهم میلادی) نسبت داده‌اند. به دلیل آسیب‌هایی که به در وارد شده، تا قبل از این پژوهش، بخشی از کتیبه‌های آن به خوبی خوانده نشده و مطالعه جامعی در این خصوص صورت نپذیرفته است، بنابراین ضرورت پرداختن به این موضوع منجر به اتخاذ آن برای پژوهش گردید.

درخصوص موضوع این پژوهش تاکنون اثر مستقلی به رشته تحریر در نیامده است. با این حال مقالاتی درباره آثار هنری این منطقه نوشته شده است. سید علی موسوی‌نژاد سوق (۱۳۸۵) در کتاب "ستارگان پراکنده اسلام زمین"، در معرفی بقعه امامزاده حمزه دهدشت اسناد و شواهدی در خصوص در گمشده امامزاده بیان می‌کند که می‌تواند با در مورد اشاره ارتباط داشته باشد. مهرانگیز کرمی مهربان (۱۳۹۳) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "پژوهشی در ویژگی‌های معماری و کاربری مجموعه بناهای بافت صفوی دهدشت (بلاد شاپور) استان کهگیلویه و بویر احمد" به معرفی بناهای شهرستان دهدشت و بررسی معماری آن‌ها پرداخته است که برای یافتن محل دقیق در، می‌توان از این اطلاعات بهره برد. عبدالله قوچانی (۱۳۶۶) در مقاله‌ای با عنوان "تحقیقی بر چوب نوشته‌های ایران" به این در اشاره نموده و بخش‌هایی از کتیبه‌های آن را بازخوانی کرده است اما کتیبه‌های مربوط به بخش تاریخی خوانده نشده است. قباد کیانمهر (۱۳۸۳) در رساله دکتری خود با عنوان "ارزش‌های زیبایی‌شناسی مثبت‌کاری عصر صفوی"، اشاره کوتاهی به این در کرده و آن را با توجه به نوع تکنیک مثبت‌کاری جزو آثار مربوط به سده پنجم هـ ق معرفی می‌کند. منابع دیگری هم به این در اشاره کوتاهی دارند که اطلاعات قابل قبولی را ارائه نمی‌دهند. در آثار ذکر شده به اثر هنری مورد بحث در این پژوهش اشاره‌ای نشده است لذا نگارندگان در صدد هستند به روش توصیفی و با تحلیلی و با تکیه بر داده‌های میدانی و کتابخانه‌ای به بررسی ماهیت زمانی و مکانی این اثر بپردازند.

۱. هنر در دوره آل بویه

هنر در هر دوره تاریخی از مهم‌ترین عناصر مادی هر سرزمین است که از عوامل گوناگون چون انگاره‌های دینی، قومی، ملی و جغرافیایی تأثیر می‌پذیرد. از قرن چهارم هجری بر اثر تلاش‌های حکام آل بویه، سرزمین‌های ایرانی در مرکز، جنوب و غرب ایران، استقلال سیاسی و فرهنگی خود را از دستگاه خلافت به دست آورد. جنبه‌های تمدنی ایران دوباره احیا گردید و فنون و صنایع فرصت توسعه یافت. هنر در این زمان هر چند تا حد زیادی تحت تأثیر اسلام قرار گرفت اما نیاز به تداوم هنر و نیز کوششی که در حفظ و احیای آثار ملی و باستانی در میان ایرانیان تا قرن چهارم و پنجم وجود داشت به شدت متأثر از هنر ایرانی بود (ایمان‌پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱). عصر آل بویه در شکل‌گیری هنر دوره ایرانی-اسلامی نقش به‌سزایی داشت و به سبب حضور علما و بزرگانی اندیشمند شاهد یک دوره رنسانس و نوزایی علمی، فرهنگی و هنری بود. با وجود این تحولات، فرهنگ و هنر غنی این دوره آنچنان که شایسته است شناسایی نشده و از دید پژوهشگران مغفول مانده است (مبلیان، کیانمهر، ۱۳۹۳: ۴۲). با این تفاسیر می‌توان گفت هنر در دوره آل بویه آمیزه‌ای از هنر ایرانی و اسلامی بوده است.

یکی از ویژگی‌های مهم و بارز هنر آل بویه وجود مفاهیم و عناصر مذهبی است و می‌توان آثار به جای مانده از این دوران را به عنوان آثار هنر دینی و از طرفی شیعی به حساب آورد. در این گذر نقش هنر مذهبی و حضور فعال هنرمندان مذهبی آل بویه در دوران شکل‌گیری هنر اسلامی قابل توجه و ارزنده است (آزاد ۱۳۸۱: ۱۳). در این دوران به‌ویژه عصر حکومت عضدالدوله دیلمی، توجه و اهتمام زیادی به مرقد امامان و عتبات عالیات شد. این پادشاهان شیعی تلاش گسترده‌ای در توسعه، بازسازی و تزیین مقبره‌ها و زیارتگاه‌های امامان انجام دادند و عضدالدوله در ۳۷۱ هـ.ق بنا و حرم بزرگ و باشکوهی برای سالار شهیدان ساخت و قسمت‌های زیادی از بنا را تجدید کرد. برای نخستین بار در هر چهار سمت حرم، رواق و شبستان‌هایی ساخت و قبه و رواق‌ها را به زیبایی با هزینه‌های فراوان تزیین کرد (سجادی، ۱۳۹۶: ۳۷). بنابراین می‌توان گفت در این دوره تاریخی بناهای مذهبی متعددی ساخته و احیا گردید و به تناسب ساخت این آثار متعلقات آن‌ها نیز مورد توجه بود که همه در حوزه معماری و تزیینات آن قابل دسته‌بندی هستند.

یکی از متعلقات مربوط به بناها، آثار چوبی مزین به منبت هستند. نمونه‌های بسیار کمی از منبت‌کاری دوران اولیه اسلامی شناخته شده است. چندین قطعه چوبی از ایران مربوط به قرن چهارم در موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی وجود دارد که از بهترین نمونه‌های آن پنج قطعه چوبی مربوط به دوران آل بویه است (Khazaie, 199: 137). براساس متن کتیبه‌ی آن‌ها، این لوح‌های چوبی به دستور امیر عضدالدوله (۳۶۷-۳۷۲ هجری) برای آستانه مبارک امام علی (ع) ساخته شده‌اند (Blair, 1992: 41-45). در این آثار از مضامین شیعی مانند دعای صحیفه سجاده از امام سجاد (ع)، ذکر اهل بیت و ائمه دوازده‌گانه و ... استفاده شده است. خط رایج در این آثار، کوفی می‌باشد و از نقوش گیاهی ساده‌ای برای تزیینات استفاده شده است.

۲. بهبهان در دوره آل بویه

منطقه ارجان برپایه نظر هانیس گاوبه شامل استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، بوشهر و بخشی از خوزستان به نام «بیرام قباد» یا «وه‌آمد قباد» توسط قباد اول بنا نهاده شد (گاوبه، ۱۳۵۹: ۱۰-۱۳). این منطقه تاریخی در باختری‌ترین بخش ولایت فارس در دوران اسلامی قرار داشت و پیش از اسلام نیز دارای اهمیت خاصی بوده است. این شهر در مسیر شاهراهی بوده است که آناتولی را از طریق میان‌رودان به شوش و از آنجا به ارجان و از ارجان به استخر پیوند می‌داد (یغمایی، ۱۳۸۴: ۲۵). در دوران اسلامی این شهر اهمیت بسیار زیادی یافت و ارتباط اقتصادی فارس با مراکز قدرت خلافت اموی و عباسی از طریق این شهر برقرار بود و از ارجان یک راه بازرگانی مهم به اصفهان می‌رفت (ابن بلخی، ۱۳۸۴: ۱۶۲). با این تفاسیر اهمیت اقتصادی و استراتژیکی این شهر سبب گردید تا دولت‌های ایرانی در دوره اسلامی به این شهر توجه خاصی داشته باشند. یکی از این دولت‌ها، دولت آل‌بویه بود که در یک مقطع طولانی بر بخش‌های عظیمی از ایران حکومت یافت.

در سال ۳۲۲ ق. ارجان (بهبهان) به تصرف امرای آل‌بویه درآمد و در این دوران به اوج رونق و شکوفایی رسید. در این زمان این شهر جایگاه اقتصادی و بازرگانی خاصی داشت. اهمیت بهبهان برای آل‌بویه تا آنجا بود که مقدسی از عضدالدوله دیلمی نقل می‌کند که «من عراق را برای نام و ارجان را برای درآمدش می‌خواهم» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۳۲ و ۶۳۱). این گفتار خود تأییدی بر جایگاه و اهمیت اقتصادی بالای این شهر تاریخی در دوره اسلامی است.

منطقه ارجان در زمان آل‌بویه از لحاظ وسعت به نهایت خود رسید و از نظر گاوبه، حکومت آل‌بویه دوران طلایی این ولایت به شمار می‌آید. در اواخر دوره آل‌بویه و بعد از ابوکالینجار آخرین حکمران آن، "ابوالعلاء" فرماندار ارجان به سوی "هزار اسب بانکیر" که در آن زمان در خوزستان حکومت می‌کرد کشیده شد. به این ترتیب، ارجان از نظر اداری به خوزستان تعلق یافت، ولی در اصل جزء فارس بوده است (گاوبه، ۱۳۵۹: ۱۴). از سال ۳۲۰ تا ۴۴۷ هجری، دیالمه آل‌بویه نواحی جنوب و جنوب‌غربی ایران از جمله منطقه کهگیلویه را در اختیار داشتند. چنانچه از منابع موجود پیداست ارجان و منطقه کهگیلویه در زمان آل‌بویه از مناطق مهمی به شمار می‌آمد و به احتمال زیاد مردم این ناحیه که تا این زمان شافعی مذهب بوده‌اند، در این دوره به مذهب شیعه روی آوردند. در سال ۴۴۷ هجری حکومت آل‌بویه منقرض شد و منطقه ارجان به تصرف سلجوقیان درآمد و در این دوران وسعت این استان به نصف وسعت گذشته خود رسید (حجازی، ۱۳۹۲: ۵۷). با این تفاسیر می‌توان گفت شهر بهبهان در دوره حکومت آل‌بویه یکی از درخشان‌ترین دوره‌های تاریخی خود را پشت سر گذاشته است.

۱.۳. امامزاده حمزه دهدشت

شهرستان کهگیلویه به مرکزیت دهدشت در جنوب‌غربی استان کهگیلویه و بویراحمد در مجاورت شهرستان‌های گچساران و بهبهان واقع شده است. "قرارگیری این منطقه بین مناطق خوزستان (ارجان و بهبهان)، فارس و اصفهان و همچنین راه‌هایی که از این منطقه می‌گذشته منجر به اهمیت یافتن آن در طول تاریخ گردید" (سپیدنامه و خالیدی، ۱۳۹۲: ۲). بافت تاریخی شهر دهدشت مهم‌ترین و کهن‌ترین آثار تاریخی شهرستان کهگیلویه است که گنجینه‌ای از

معماری اسلامی دوران آل بویه تا صفوی به شمار می‌رود. این بافت که براساس دست‌نوشته‌های تاریخی به دستور اردشیر بابکان و به یاد فرزندش شاپور "بلاد شاپور" نام گرفت، در ضلع جنوبی شهر کنونی دهدشت به وسعت ۵۰ هکتار قرار گرفته است (سپیدنامه و رایگانی، ۱۳۹۴) بنابر نوشته حسینی فسائی در کتاب فارسنامه ناصری، این ناحیه از غرب به ارجان محدود می‌شد و هشت فرسخ از بهبهان فاصله داشت (حسینی فسائی، ۱۳۷۸: ۱۴۷۲).

بنای امامزاده حمزه در مرکز بافت تاریخی شهر دهدشت، در ناحیه گرمسیری شهرستان کهگیلویه، بر روی تپه‌های حاشیه دشت که اطراف آن را منازل مسکونی جدید و خیابان‌ها فراگرفته، واقع شده است. این بقعه در شرق بافت به فاصله یکصد متری جنوب مسجد جامع و در غرب حمام ضلع شرقی قرار دارد (کرمی‌مهربان و نیستانی، ۱۳۹۳: ۸۷) (تصویر ۸). به استناد اقوال معمرین محلی و اعتقادات منطقه‌ای و برخی مدارک، ایشان از اولاد و احفاد امام سجاد (ع) می‌باشد (موسوی‌نژاد سوق، ۱۳۸۵: ۲۸۶). پوشش گنبدی امامزاده به خاطر حجم و ارتفاع آن از نقاط مختلف بافت تاریخی نمایان بوده و به‌عنوان شاخص و نقطه عطفی در بافت قدیم شامل حرم و نمازخانه است. این بنای عظیم و کهن که در زمره آثار ارزشمند شهر تاریخی دهدشت و در واقع یکی از مقابر متقن و معتبر منطقه جنوب به شمار می‌آید بنایی است با گنبدی رفیع و تزئینات کاربردی بسیار ظریف که در فضای زیر گنبد که بر پلاتی مربع و با مصالح ساختمانی سنگ لاشه و ملاط گچ، با گذشت قرن‌ها پابرجا و مقاوم ایستاد است.

بنا از دو بخش شبستان و گنبدخانه تشکیل شده است با عبور از یک در کوتاه (محل نصب درب مورد نظر) پلکانی وارد شبستان می‌شویم. سردر ورودی از یک ردیف تزئینات مارپیچی سنگی دور در و کتیبه‌ای حاشیه آن تشکیل شده که متأسفانه قسمت عمده کتیبه تخریب شده و تنها کلماتی ناخوانا از آن برجای مانده است. در بازدید بعمل آمده از امامزاده و محل در، اندازه عرض درب با اختلاف دو سه سانت بیشتر با پهنای در چوبی محفوظ در موزه ملی هم اندازه است، ولی طول در، به دلیل بالا آمدن سطح زمین و مرمت کف اندکی از بلندی در کاسته شده بود.

۳. پیشینه تاریخی در چوبی امامزاده حمزه دهدشت

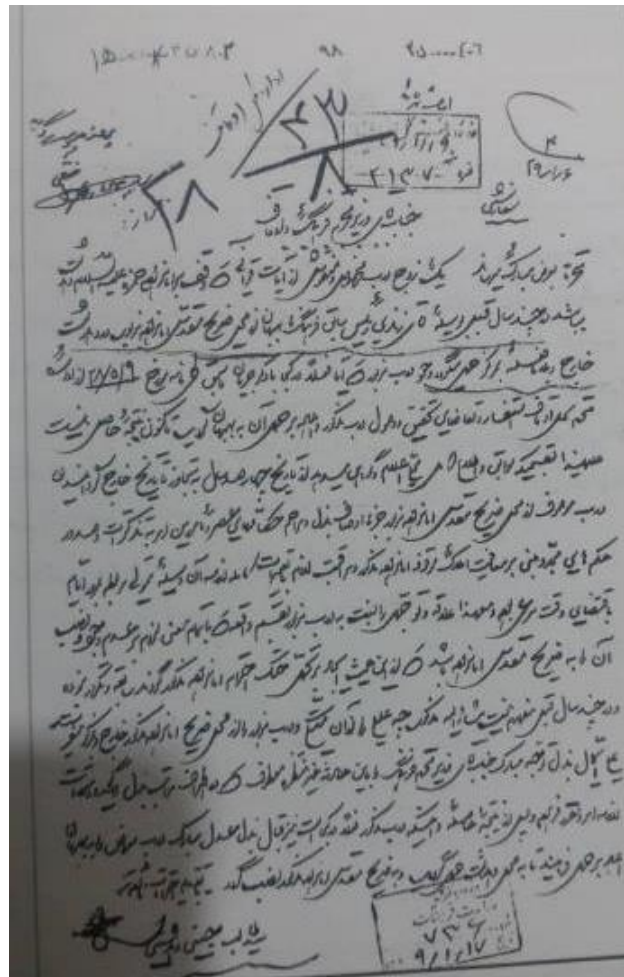
با مطالعه و بررسی اسناد و شواهدی که در کتاب "ستارگان پراکنده اسلام زمین" اشاره کرده و همچنین اسنادی که در آرشیو کتابخانه ملی ایران در دست است می‌توان اذعان نمود که در چوبی موجود در موزه ملی ایران که محل کشف آن را بهبهان درج کرده‌اند درواقع همان در گمشده امامزاده حمزه دهدشت می‌باشد. با توجه به مدارک و شواهد موجود، این بنا دارای در چوبی نفیسی بوده که در حدود سال‌های ۱۳۲۸ توسط رئیس سابق فرهنگ بهبهان بدون رضایت اهالی دهدشت، به شهرستان بهبهان فرستاده شد و بعداز مدتی به موزه ایران باستان تهران منتقل می‌شود. در جهت جستجوی این در چوبی، از طرف سید طالب حسینی متولی امامزاده حمزه، نامه‌های متعددی به حوزه اوقافی خوزستان، کهگیلویه، اداره کل باستان‌شناسی کشور و رئیس وقت فرهنگ بهبهان ارسال شده و تلاش بسیاری برای یافتن و بازگرداندن این در شده است.

شرح مشخصات در چوبی امامزاده حمزه به بیان سیدطالب حسینی متولی امامزاده حمزه:

"این درب از جنس چوب مرغوب، به رنگ قهوه‌ای تیره با وزنی سبک، که تشخیص آن برای هر بیننده‌ای ناممکن و مشکل بود، من در ابتدا تصور این بود که هر لنگه‌ی این درب، تخته سنگی یک‌تکه نفیس و ظریف است. این درب مستطیلی دارای دو لنگه متوسط، که بر روی هر لنگه، در بالا و پایین، دو قاب مربع شکل کوچک قرار گرفته و بر سطوح هرکدام کتیبه‌ای با کلمات و آیات و اسماء قرآنی (که آنها را فراموش کردم) همراه با نگاره‌های گیاهی، کنده‌کاری و نقر شده بود" (موسوی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۲۸۸). نامه‌هایی که در تاریخ ۱۳۲۹/۱/۱۷ با امضاء سید طالب حسینی، متولی امامزاده حمزه خطاب به وزیر فرهنگ به نگارش درآمده است، چنین می‌باشد:

"محترماً به عرض مبارک می‌رساند یک زوج درب [..] و منقوش از آیات قرآنی وقف بر امامزاده حمزه علیه السلام دهدشت می‌باشد. در چند سال قبل به‌وسیله‌ی آقای زندی رییس سابق فرهنگ بهبهان از محل ضریح مقدس امامزاده مزبور در دهدشت خارج و بلافاصله بمرکز حمل می‌گردد [..] درب مزبور [..] آیا [..] در کجا با ذکر جریان ماسبق طی نامه مورخ ۲۸/۵/۹ از [..] کل اوقاف [..] تقاضای تحقیق و وصول درب مذکور و [..] بر حمل آن به بهبهان گردید تاکنون نتیجه‌ای حاصل نیست. علیهذا [..] سوابق و اطلاع اهل محل اعلام و گواهی می‌دهد از تاریخ چهارصد سال به تجاوز تا تاریخ خارج گردانیدن درب موصوف از محل ضریح مقدس امامزاده مزبور جزء اوصاف بذل و [..] حکام‌های عصر و مأمورین امر به تذکرات و صدور حکم‌هایی مجدد مبنی بر [..] موقوفه امامزاده مذکور و مراقبت [..] با تعمیرات کامله [..] آن سیله‌ی [..] وقت [..] و معهداً علاقه و توجهی را نسبت به در مزبور [..] با تمام [..] لزوم بر عدم وجود و نصب آن را به ضریح مقدس امامزاده باشد [..] از این حیث [..] بر تحمل حتک احترام امامزاده مذکور گردند سابقه و تکرار نموده و در چند سال قبل مفهوم نیست [..] مذکور چه عللی را از آن [..] و درب مزبور را از محل ضریح امامزاده مذکور خارج و بمرکز [..] علی ایها بذل توجه مبارک جناب آقای وزیر محترم فرهنگ را به این حادثه غیرمنتظره معطوف [..] در اطراف مراتب بذل [..] است. لازمه امر و مقرر [..] و پس از نتیجه را حاصله و اینکه درب مذکور در کجاست نیز قبلاً بذل عدل مبارک درب [..] را به بهبهان [..] تا به محل دهدشت حمل گردید و به ضریح مقدس امامزاده مذکور نصب گردد. با تقدیم احترام سید طالب حسینی دهدشتی اداره فرهنگ/ شماره ۷۳۶/ تاریخ ۲۹/۱/۱۷" (تصویر ۱).

در این نامه، به نامه‌ی دیگر با تاریخ ۲۸/۵/۹ به اداره کل اوقاف، با محتوای تقاضای تحقیق و وصول این در چوبی اشاره می‌شود. از محتوای این نامه مشخص می‌شود در چوبی منقوش، چند سال قبل‌تر از تاریخ ۱۳۲۹ به وسیله‌ی آقای زندی رییس سابق فرهنگ بهبهان بدون رضایت اهالی دهدشت، از محل خارج گردید و به مرکز (تهران) منتقل شد. آقای حسینی در طی نامه‌ای در تاریخ ۱۳۲۹ این عمل را حادثه‌ای غیر منتظره قلمداد می‌کند و از وزیر فرهنگ، تقاضای بازگشت در به محل اصلی خود یعنی امامزاده حمزه در دهدشت را دارد.

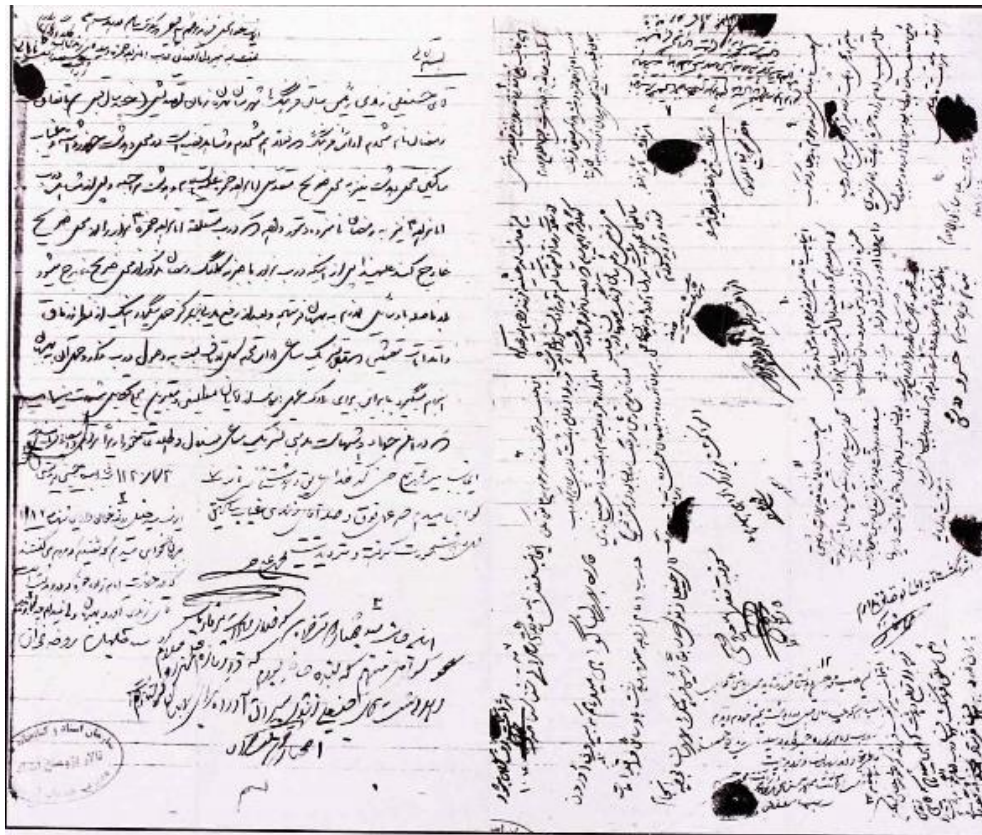


تصویر ۱. گزارش خارج کردن در امامزاده حمزه دهدشت از محل، سال ۱۳۲۹، منبع: کتابخانه ملی ایران

نامه دیگر در تاریخ ۱۳۳۰/۲/۳ باز هم با امضای سید طالب حسینی خطاب به وزیر فرهنگ وقت چنین آمده است:

آقای حسینعلی زندی رییس سابق فرهنگ شهرستان بهبهان زمان تصدیش (چند سال قبل) به اتفاق رمضان نام مستخدم اداره فرهنگ که فعلاً هم مستخدم و شاهد قضیه است، در محل دهدشت حضور داشته و در غیاب ساکنین محلی دهدشت نیز به محل ضریح مقدس امامزاده حمزه علیه السلام دهدشت مراجعه و پس از مشاهده در امامزاده نیز به رمضان دستور داده که در مزبور با ضربه کلنگ رمضان از محل ضریح خارج می شود بلافاصله با وسایل لازم (حمل قاطر عبدالله خان) به بهبهان فرستاده و بعد از مدتی نیز به مرکز حمل می گردد. اینک [...] اقدامات مقتضی در قبال تشریک مساعی اداره محترم کل اوقاف نسبت به وصول در مذکور و حمل آن به بهبهان انجام می گیرد. بنابراین برای [...] اینجانب از آقایان مطلعین و معتبرین محلی تحصیل شهادت می نماید که در این [...] اطلاعات خود را زیرا مرقوم و امضا فرمایید ۱۳۳۰/۲/۳ سید طالب حسینی دهدشتی متولی (تصویر ۲)

در پایان اهالی و بزرگان منطقه دهدشت گواهی می دهند که حسینعلی زندی رییس سابق فرهنگ بهبهان، در امامزاده حمزه را به بهبهان حمل کرده و برخی هم شخصاً شاهد ماجرا بودند.



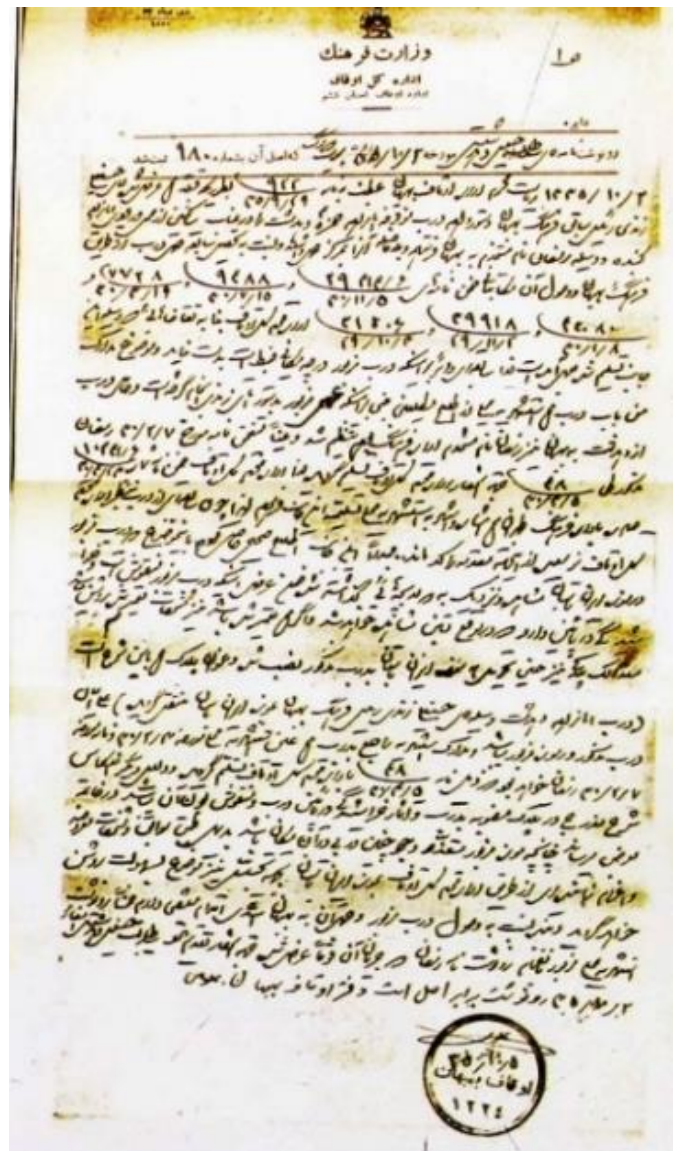
تصویر ۲. استعلام و استشهادنامه به سرقت بردن در امامزاده حمزه دهدشت سال ۱۳۳۰، منبع: موسوی نژاد سوق

نامه‌ی بعدی مربوط به سال ۱۳۳۵ خطاب به وزیر فرهنگ به شرح زیر می‌باشد:

۳۵/۱۰/۲ ریاست محترم اداره اوقاف بهبهان عطف به نامه ۹۲۲ به‌طوری‌که قبلاً هم عرض شد آقای حسینعلی زندی رییس سابق فرهنگ بهبهان دستور داد در موقوفه امامزاده حمزه دهدشت را در غیاب ساکنین از محل ورودی امامزاده کنده و به‌وسیله رمضان نام مستخدم به بهبهان فرستاد و بلافاصله آنرا بمرکز حمل داشته و نسبت به [...] سابقه حمل در از طریق فرهنگ بهبهان و وصول آن مکاتباتی ضمن نامه‌های ۲۹۴/۴/۶ و ۹۴۸۸ و ۷۷۲۷ و ۴۳۰۸۰ و ۳۹۹۱۸ و ۳۱۵۰۶ اداره کل اوقاف بنا به تقاضاهایی وسیله این جانب تسلیم شد [...] لذا سابقه‌ای دائر بر اینکه در مزبور در چه مکانی ضبط است بدست نیامد و موضوع مدارک من باب درب محل استشهادیه محلی [...] مبنی بر اینکه [...] مزبور به دستور آقای زندی انجام گرفته است و [...] درب از دهدشت به بهبهان نیز رمضان نام مستخدم اداره فرهنگ تنظیم شد و عیناً [...] نامه مورخ ۳۰/۲/۷ رمضان مذکور طی ۳۰/۴/۵ [...] کل اوقاف تسلیم گردید. لذا اداره محترم کل اوقاف ضمن نامه شماره ۱۰۴۴۱/۶ تاریخ ۳۰/۴/۲۳ [...] فرهنگ طهران [...] مشاهده و [...] به استشهادیه محلی تسلیم این جانب [...] درب مزبور در موزه ایران باستان مشاهده و نزدیک به [...] درچه‌هایی گذاشته شد. ضمن عرض اینکه درب مزبور منقوش است و خراشیدگی در پایین دارد. در موقع بستن مشاهده خواهد شد و اگر [...] تعمیرش باشد نیز مشخصات تعمیرش روشن می‌باشد. پلاکی نیز حین تحویل به موزه ایران باستان به درب مذکور نصب شد و عنوان پلاک باین شرح است: (درب امامزاده دهدشت وسیله آقای حسینعلی زندی رییس فرهنگ بهبهان بموزه ایران باستان

منتقل گردید) درب مذکور در موزه مزبور می‌باشد و مدارک استشهاده راجع مدرک [..] عین استشهاده محلی مورخه ۳۰/۲/۳ و نامه مورخه ۳۰/۲/۷ رمضان خواهد بود. ذیل نامه ۳۰/۴/۵ کل اوقاف تسلیم گردید و [..] دیگر انعکاس شرح [..] در پلاک منصوبه بدرب [..] و آثار خراشیدگی در پایین درب و منقوش [..] آن می‌باشد. در خاتم بعرض می‌رساند چنانکه موزه مزبور [..] وجود چنین دری در آن مکان باشد [..] طبق سوابق و مشخصات مورخه و اعزام [..] از طریق اداره محترم کل اوقاف بموزه ایران باستان [..] نیز [..] بسهولت روشن خواهد گردید [..] به وصول درب مزبور و محل آن به بهبهان [..] اقدام [..] ضمناً رونوشت استشهاده محلی مزبور [..] عرض شد.

در این نامه به این نکته اشاره شده است که در مذکور پس از فرستاده شدن به تهران، در موزه ملی ایران باستان مشاهده شده است و هنگام منتقل کردن در، به موزه پلاکی به این شرح بر آن نصب بود: "درب امامزاده دهدشت وسیله آقای حسینعلی زندی رییس فرهنگ بهبهان به موزه ایران باستان منتقل گردید" همچنین گفته شده که خراشیدگی در پایین در وجود دارد که هنگام بسته شدن مشاهده می‌شود. در آخر آقای حسینی از طریق اداره کل اوقاف، از موزه ایران باستان درخواست بازگرداندن در مذکور را در صورت مشاهده‌ی آن می‌کند.



تصویر ۳- گزارش خارج کردن در امامزاده حمزه دهدشت سال ۱۳۳۰، منبع: کتابخانه ملی ایران

با این تفاسیر و با تکیه بر این اسناد آرشیوی می‌توان گفت این در چوبی متعلق به امامزاده حمزه دهدشت است. این در دارای تزییناتی است که نقش مهمی در هویت بخشی به آن داشته‌اند.

۵. شاخصه‌های بصری تزیینات در چوبی امامزاده حمزه دهدشت

این در چوبی با تکنیک منبت کاری، محل کشف بهبهان (شماره موزه: ۳۲۹۲)، در حال حاضر در موزه ملی ایران بخش اسلامی، در قسمت هنر سلجوقی نگهداری می‌شود. در دو لنگه با ابعاد ۱۹۶ در ۱۱۰ سانتیمتر می‌باشد. تصاویر ۴ و ۵، نمای بیرون این بنا را منعکس ساخته است.



تصویر ۴- نمای کلی از بنای امامزاده حمزه، منبع: نگارندگان



تصویر ۵- نمای در ورودی بنای امامزاده حمزه، منبع: نگارندگان.

هر لنگه متشکل است از دو مربع در بالا و پایین که با نقوش گیاهی و کتیبه‌ای به خط کوفی کنده‌کاری شده است. یک قاب مستطیل بین این دو مربع وجود دارد که شامل حاشیه‌ای با کتیبه‌های نسخ منبت‌کاری شده می‌باشد و درون این مستطیل پنج قاب به شکل‌های دایره و لوزی دیده می‌شود که کتیبه‌ها به خط کوفی نگاشته شده‌اند. حاشیه پهن

دور تا دور با خط کوفی درشت و حاشیه باریک دور تا دور قاب‌ها با خط کوفی ساده بسیار ریز و ظریفی پوشیده شده است. به نظر می‌رسد این قطعات جداگانه کنده‌کاری شده و سپس به هم متصل گشته‌اند. گرچه در مذکور، با نقوش گیاهی تزیین شده اما بیشترین سطح در را کتیبه‌های کوفی و نسخ ظریف پوشش داده است. بنابر اطلاعات موزه درباره‌ی وضعیت در، دارای ساییدگی، ترک‌خوردگی و مرمت می‌باشد (تصویر ۶).

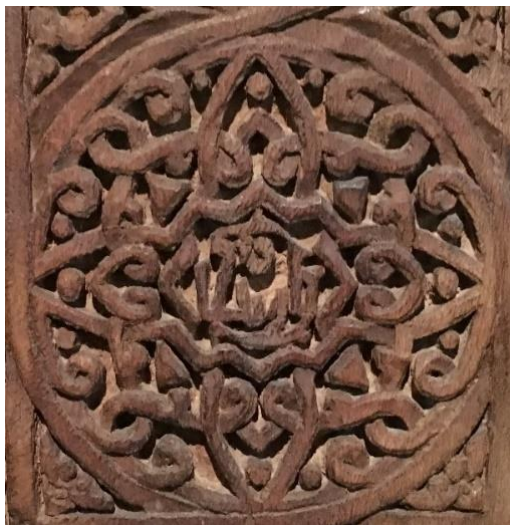


تصویر ۶- در چوبی موجود در موزه ملی ایران مربوط به دوره آل‌بویه، منبع: نگارندگان

عبدالله قوچانی در مقاله با عنوان: "تحقیقی بر چوب‌نوشته‌های ایران"، که در آن آثار چوبی ایران بین سالهای ۳۶۳ تا ۵۲۰ هـ.ق از جمله لوح‌های چوبی موجود در مجموعه رابنو و موزه عربی قاهره (۳۶۳ هـ.ق)، لوح چوبی موجود در گالری فریر مربوط به قرن پنجم هـ.ق، پنجره چوبی موجود در موزه ملی ایران مربوط به سال ۵۲۰ هـ.ق و در چوبی بهبهان مورد بحث در این پژوهش را بررسی نموده، اشاره می‌کند که این در، ظاهراً از منطقه‌ی فارس به موزه رسیده است. اما در این مورد تردید وجود دارد. با توجه به سبک و متن کتیبه‌های موجود بر روی در، آن را به اوایل قرن پنجم هـ.ق نسبت داده‌اند (قوچانی، ۱۳۶۶: ۵۳).

یکی از ویژگی‌های هنر اسلامی، نمادگرایی یا رمز و تمثیل است که وجه اشتراکی غالب هنرهای دینی نیز محسوب می‌شود. طبق این ویژگی هرگز قید به طبیعت که در مرتبه سایه است، وجود ندارد و هر نمادی، حقیقتی ماوراء این

جهان پیدا می‌کند. بنابراین در هنر اسلامی رمز و نماد همچون آیینه شفاف است که حقایق عالم ملکوت را جلوه‌گر می‌سازد (حسینی، ۱۳۹۰: ۱۰). در قسمتی از تزیینات این در چوبی، درون اشکال دایره، با تکرار خطوط و پیچش آن‌ها، شکل انتزاعی گل‌مانندی با هشت‌پر تشکیل شده، خطوط به هم پیوسته‌اند و از پیچش آن‌ها گره‌های ساده‌ای ایجاد شده است. "دایره یکی از رازآمیزترین نمادهای بشری و بازتابی از جهان است" (Adkinson, 2009: 566). همچنین از فضای خالی مرکز این گل، شکل شمسه هشت ضلعی به وجود آمده و داخل شمسه‌ها اسماء الهی و پنج تن آل عبا به‌کار رفته است (تصویر ۷). در هنر اسلامی شمسه ملهم از نقش مدور خورشید، دارای معانی و مفاهیم نمادین فراوانی می‌باشد. از جمله می‌توان آن را به عنوان نماد الوهیت و نور وحدانیت اشاره کرد. هنرمندان مسلمان در بسیاری از آثار خود مفهوم کثرت در وحدت و وحدت در کثرت را به صورت شمسه نشان داده‌اند. کثرت در واقع تجلی صفات و اسماء نور ذات وحدانیت است که به صورت اشکال کثیره نمود پیدا کرده است (خزایی، ۱۳۸۲: ۱۳۱-۱۳۲). در واقع شکل هندسی مفهومی صرف نیست، بلکه تصویر آن هم تصویری بصری و دارای ویژگی‌هایی است که مفاهیم معمول فاقد آن‌ها هستند؛ بدین معنی که در برگیرنده نمود ذهنی ویژگی‌های فضایی است (Fischbein, 1987: 114).



تصویر ۷- تزیینات قاب دایره‌ای با نقش شمسه در چوبی موجود در موزه ملی ایران مربوط به دوره آل بویه، منبع: نگارندگان.

در معماری اسلامی وجود کتیبه‌ها از خصایص بارز هر نوع بنایی است و اهمیت فراوان دارد. به‌طور کلی می‌توان به دو نوع کتیبه‌هایی با مضامین مذهبی و کتیبه‌هایی که اطلاعات بنا و سازنده‌ی بنا را در خود دارد، تقسیم کرد. در کتیبه‌های با مضامین مذهبی، آیات قرآنی، اسماء الهی، استفاده از نام پیامبر (ص) و ائمه اطهار کاربرد بیشتری داشته است (فراست، ۱۳۸۵: ۶۶). نوشته‌های قرآنی به غیر از زیبایی کلام خداوند معنای ویژه‌ای برای مسلمانان دارد. این نوشته‌ها یادآور حضور خداوند در همه‌جا از جمله مسجد، مدرسه، امامزاده هستند (Burckart, 1954: 211). براساس نگرش مذهبی استفاده از اسماء جلاله خداوند، پیامبر و ائمه در محیط‌های مذهبی بر تقدس آن‌ها می‌افزاید (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۲۱).

کتیبه‌های در چوبی بهبهان، نقش پررنگی در تزیینات آن ایفا می‌کنند. کتیبه‌های کوفی به کار رفته شامل: اسامی پنج تن آل عبا و اسماء الهی در پنج قاب دایره و لوزی در هر لنگه به شکل قرینه، کتیبه‌هایی در رابطه با حاکم وقت در چهار قاب مستطیل در بالا و پایین در، قسمتی از دعای توبه از صحیفه سجادیه دور تا دور چارچوب، آیه ۱ تا ۵۲ سوره یس دور تا دور قاب‌های در که به شدت آسیب دیده است، می‌باشد. تنها کتیبه به خط نسخ حاوی دعای امام زمان (عج) (اللهم ارزقنا) درون قاب مستطیل وسط به کار رفته است. بر روی لنگه سمت راست در، درون چهار قاب دایره که با اشکال گیاهی و هشت گره به یک شمسه هشت ضلعی در مرکز رسیده است و یک قاب لوزی، اسامی پنج تن آل عبا به ترتیب زیر نوشته شده است:

استفاده از این نوع کتیبه در بناهای شیعیان بسیار رایج بود. به‌طور مثال یکی از این آثار، در چوبی موجود در گالری فریر مربوط به قرن پنجم هجری می‌باشد که از اسامی پنج تن آل عبا به خط کوفی بر سطح در حک شده است.

بر روی لنگه سمت چپ، به شکل قرینه‌ی قاب‌های سمت راست، به ترتیب زیر نوشته شده است:

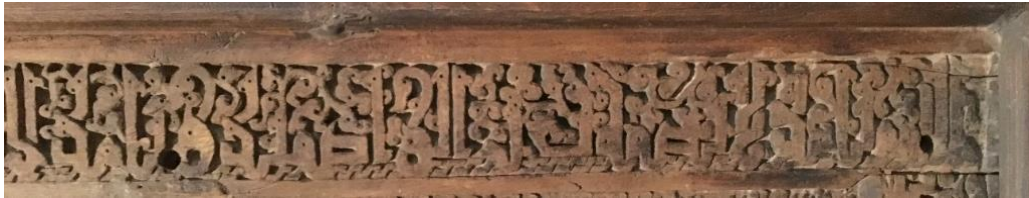
یا حنان، یا منان، الزهراء، السلطان و یا سبجان (تصویر ۸).

کتیبه "فاطمه" و "الزهرا" درون قاب لوزی به شکل قرینه روی دو لنگه در یک ردیف دیده می‌شود.



تصویر ۸- کتیبه اسماء الهی و اسامی پنج تن آل عبا به خط کوفی و بازسازی آن، متعلق به در چوبی بهبهان موجود در موزه ملی ایران، دوره آل بویه. منبع: نگارندگان

کتیبه بعدی مربوط به قسمتی از دعای توبه صحیفه سجادیه امام سجاد (ع) حاوی «اللهم یا من یصفه نعث الواصفین و یا من لا یجاوزہ رجا الراجین و...» می باشد. این کتیبه دور تا دور دو لنگه در، با خط کوفی درشت مزین با نقوش گیاهی منبت کاری شده است (تصویر ۹).



تصویر ۹- شروع کتیبه دعای توبه امام سجاد(ع) به خط کوفی گلداز، متعلق به در چوبی منسوب به بهبهان، موجود در موزه ملی ایران، دوره آل بویه منبع: نگارندگان.

قابل ذکر است دعاهای صحیفه سجادیه از مهمترین ادعیه است که در آثار هنری شیعی دیده می شود. لوح چوبی موجود در مجموعه رابنو (۳۶۳هـ) نمونه دیگر از آثار چوبی آل بویه می باشد که از دعاهای صحیفه سجادیه در کتیبه نگاری آن به کار رفته است.

دور تا دور تمام قاب های مربع و مستطیل دو لنگه با سوره یس آیه ۱ تا ۵۲ حاوی «بسم الله الرحمن الرحیم یس والقرآن الحکیم انک لمن المرسلین...» به خط کوفی ساده به صورت ریز و ظریف منبت کاری شده است. این کتیبه به شدت آسیب دیده و بعضی قسمت هایی آن از بین رفته است (تصویر ۱۰).



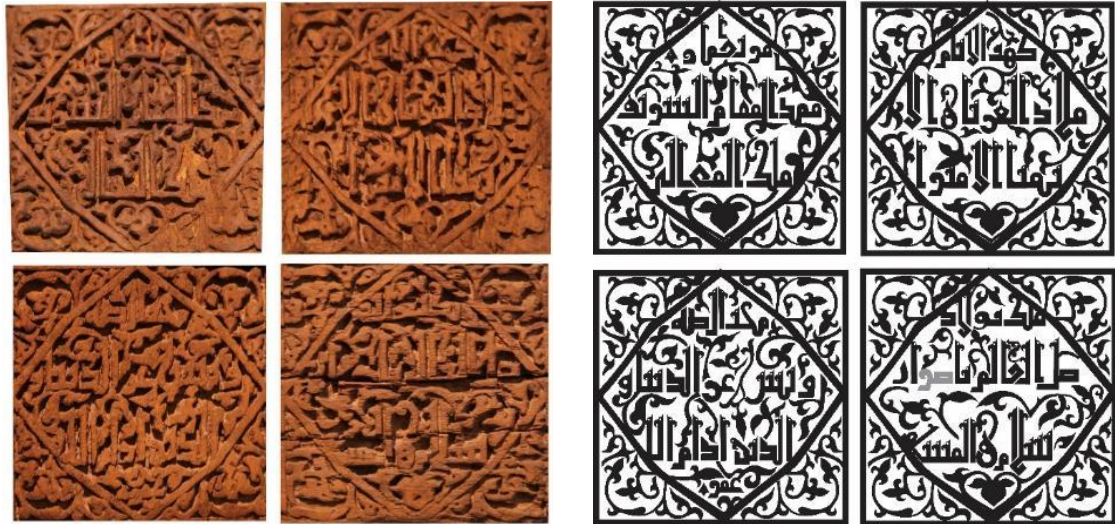
تصویر ۱۰- شروع کتیبه سوره یس به خط کوفی ساده، متعلق به در چوبی منسوب به بهبهان، موجود در موزه ملی ایران، دوره آل بویه، منبع: نگارندگان.

دعای اللهم الرزقنای امام زمان (عج) حاوی «اللهم ارزقنا توفیق الطاعة و بعد المعصیه و...» در حاشیه قاب های مستطیل وسط هر دو لنگه به خط نسخ منبت کاری شده است. حضور این دعا در قالب کتیبه در نمونه آثار شیعی که تاکنون مورد مطالعه قرار گرفته بسیار نادر می باشد (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۱- شروع کتیبه دعای امام زمان به خط نسخ، متعلق به در چوبی منسوب به بهبهان، موجود در موزه ملی ایران، دوره آل بویه، منبع: نگارندگان.

کتیبه تاریخی در، درون چهار قاب مربع به خط کوفی که زمینه آن‌ها با نقوش گیاهی تزیین شده مقر و به دلیل ترک‌های ایجاد شده و صدمات زیاد، متن به سختی قابل خواندن می‌باشد (تصویر ۱۲). متن کتیبه فوق به دلیل اشاره به شخصی که سفارش ساخت بنا و در را داده بسیار ارزشمند است.



تصویر ۱۲- کتیبه تاریخی حاوی نام سفارش دهنده به خط کوفی، متعلق به در چوبی بهبهان موجود در موزه ملی ایران، دوره آل بویه، منبع: نگارندگان.

ترتیب متن این کتیبه در چهار مربع احتمالا در هنگام مرمت به دلیل عدم خوانش صحیح مرمت‌گر جابه‌جا شده است. ترتیب درست کتیبه می‌بایستی به صورت عبارت زیر باشد:

امر بعمار/ هذا المقام الشريف / ملك المعالی

محب آل طه / و یس عز الدنيا و / الدین ادا م الله / عمره

كهف الانام / ملاذ الغربا و / الا / تقيا الامیرا

ملك فولاد / ظل العالم [ناصر؟] / ا / سلام و المسلمین.

با خوانش کل کتیبه‌ها که تاکنون توسط شخصی خوانده نشده بود مشخص می‌شود که بنای امامزاده حمزه و در فوق، به دستور ملک فولاد یا همان ابومنصور فولادستون ساخته شده است.

نام ملک فولاد در کتیبه آورده شده که در کتاب‌های تاریخی از جمله کتاب "تاریخ گزیده" این نام برای "ابومنصور بن عمادالدین بن سلطان‌الدوله بن بهالدوله بن عضدالدوله بن رکن‌الدوله بن بویه" (مستوفی، ۱۳۶۴: ۴۲۵) به کار رفته است.

ابومنصور فولاد ستون پسر ابوکالینجار بویه می‌باشد. "ابوکالینجار شش پسر داشت به نام‌های: سلطان رحیم، امیر ابومنصور فُلاستون (فولادستون)، ابوطالب کامروا، ابومظفر بهرام، ابوعلی کیخسرو، ابوسعید خسروشاه" (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۵۷۹۰). مردم بغداد بر پسرش ابونصر خسرو فیروز که ملک رحیم لقب یافت بیعت نمودند. ابومنصور فولاد ستون شیراز را تصاحب نمود (پیرنیا، اقبال آشتیانی، ۱۳۹۵: ۴۱۷). اما برادرش "ملک رحیم، برادر دیگر خود ابوسعید را بر سر او فرستاد و شیراز را از او گرفت و به نام ملک رحیم خطبه خواند. در سال ۴۴۱ فولادستون پس از مدتی جنگ و گریز به شیراز بازگشت و خطبه به نام طغرل‌بک و ملک رحیم و سپس به نام خود خواند" (میرخواند، ۱۳۸۰: ۶۲۵). بنابر نوشته ابن بلخی در کتاب فارسنامه، سرانجام ابومنصور فولاد ستون در سال ۴۴۸ هجری توسط حسن ابن شبانکاره ملقب به فضلوپه که سپاهی علیه فولاد ستون گرد آورد، در قلعه‌ای در فارس زندانی شد و در همان جا وفات یافت (ابن بلخی، ۱۳۸۴: ۱۶۶).

نتیجه‌گیری

مذهب شیعه تأثیری عمیقی بر هنر و میراث فرهنگی در طول تاریخ گذاشته است. دوره آل‌بویه به دلیل استیلای مذهب تشیع و معرفی آن به عنوان مذهب رسمی، دارای آثار هنری شیعی ارزشمندی می‌باشد. کتیبه‌های موجود در درب مذکور مانند: اسامی پنج تن آل‌عبا و دعای توبه از صحیفه سجاده امام سجاد (ع)، نشان‌دهنده اعتقاد سازنده و سفارش‌دهنده درب و بنا به مذهب شیعه است. متون کتیبه‌ها از جمله مضامینی هستند که در هنر شیعی دوره آل‌بویه کاربرد داشتند. به‌طوری‌که در لوح چوبی موجود در مجموعه رابنو مربوط به سال ۳۶۳ هجری دعایی از صحیفه سجاده به کار رفته است. نمونه دیگر لوح چوبی آل‌بویه مربوط به قرن پنجم هجری موجود در گالری فریر می‌باشد که از اسامی پنج تن آل‌عبا در کتیبه‌نگاری استفاده کرده است. یکی دیگر از کتیبه‌های به کار رفته در این در، حاوی دعای (اللهم ارزقنا) امام زمان (عج) می‌باشد که این حضور این دعا در قالب کتیبه در نمونه آثار شیعی که تاکنون مورد مطالعه قرار گرفته بسیار نادر می‌باشد. پس از خوانش کتیبه‌های بخش تاریخی در مذکور، مشخص شد که این در، یکی دیگر از آثار چوبی آل‌بویه مربوط به حکومت ابومنصور فولاد ستون پسر ابوکالینجار، آخرین پادشاه آل‌بویه در فارس و منطقه ارجان بین سال‌های ۴۴۰ تا ۴۴۸ هجری می‌باشد. پس از بررسی مدارک و اسناد موجود مشخص شد که این در، به بنای امامزاده حمزه در شهرستان دهدشت تعلق دارد. توصیف در از طرف متولی امامزاده حمزه با مشخصات در مورد بررسی موجود در موزه ملی ایران همسان است. در اسناد موجود به این نکته اشاره شده که در امامزاده حمزه در موزه ملی ایران دیده شده است. از لحاظ زمانی بنای امامزاده حمزه و در مذکور در یک دوره تاریخی ساخته شده‌اند. از آنجایی که این در، در حدود سال ۱۳۲۹ هـ.ش توسط رئیس سابق فرهنگ بهبهان به موزه ملی ایران تحویل داده شد نام شهرستان بهبهان در موزه ثبت گردید.

منابع:

کتاب‌ها:

آزاد، میترا. (۱۳۸۱). معماری ایران در قلمرو آل‌بویه. تهران: ناشر کلیدر.

ابن اثیر، عزالدین. (۱۳۸۵). تاریخ کامل. جلد سیزدهم، تصحیح حمیدرضا آژیر، انتشارات تهران: اساطیر.

ابن بلخی. (۱۳۸۴). فارس‌نامه. به اهتمام و تصحیح گای لیسترانچ و رینولد الن نیکلسون، انتشارات تهران: اساطیر.

پیرنیا، حسن؛ اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۹۵). تاریخ کامل ایران از آغاز تا پهلوی. گرگان: انتشارات هفت سنگ.

حسینی فسائی، حاج میرزا حسن. (۱۳۷۸). فارس‌نامه ناصری. تصحیح منصور رستگار فسائی، جلد دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

سجادی، علی. (۱۳۹۶). آرامگاه‌های جنوب غرب ایران (خوزستان و مناطق همجوار)، تهران: انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، مرکز معرفی فرهنگی.

گاوبه، هاینس. (۱۳۷۷). ارجان و کهگیلویه از فتح عرب تا دوران صفوی. تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

مستوفی، حمدالله. (۱۳۶۴). تاریخ گزیده. به اهتمام عبدالحسین نوائی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

مقدسی، بوعبدالله محمد. (۱۳۶۱). احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم. ترجمه دکتر علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

موسوی‌نژاد سوق، سید علی. (۱۳۸۵). ستارگان پراکنده اسلام زمین (دایره‌المعارف شجره آل رسول (ص)). جلد سوم، قم: انتشارات کومه.

میرخواند، محمدبن خاوندشاه. (۱۳۸۰). تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیا والملوک و الخلفا. جلد چهارم، به تصحیح جمشید کیان‌فر، تهران: اساطیر.

مقالات:

ایمان‌پور، محمدتقی؛ یحیایی، علی و جهان، زهرا. (۱۳۹۲). "بازتاب هنر و اندیشه ساسانیان در هنر عهد آل بویه: هنر معماری و فلزکاری". شماره ۵، ۵۳-۲۱.

حجازی، صدرالله؛ عسکری جاوردی، علیرضا. (۱۳۹۲). "بررسی تحولات تاریخی دوره اسلامی شهرستان کهگیلویه و بویر احمد براساس متون استاد و کتیبه پایان‌نامه کارشناسی ارشد..

حسینی، سید هاشم. (۱۳۸۸). "مقایسه ویژگی‌های هنر کتیبه‌نگاری عصر صفوی در دو مجموعه شاخص شیعی ایران (حرم مطهر امام رضا و بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی)". دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، شماره ۱۱، ۲۵-۱۲.

حسینی، سید هاشم، (۱۳۹۰). "کاربرد تزیینی و مفهومی نقش شمس در مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی"، هنر اسلامی، شماره ۱۴، ۱۶-۲.

خزایی، محمد. (۱۳۸۲). "نمادگرایی در هنر اسلام، تاویل نمادین نقوش در هنر ایران". مجموعه مقالات اولین همایش هنر اسلامی، انتشارات مطالعات هنر اسلامی.

سپیدنامه، حسین، خالدی، سهراب. (۱۳۹۲). "جغرافیای تاریخی کهگیلویه و بویراحمد در دوران اسلامی". همایش ملی باستان‌شناسی ایران دستاوردها فرصت‌ها آسیب‌ها، دانشکده هنر دانشگاه بیرجند.

سپیدنامه، حسین و ابراهیم رایگانی، ۱۳۹۴، بررسی الگوی پراکنش بناهای آرامگاهی در بافت تاریخی دهدشت، همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران، یزد، موسسه معماری و شهرسازی سفیران مهرازی، دانشگاه علم و هنر یزد.

فراست، مریم. (۱۳۸۵). "به کارگیری شاخصه‌های معماری اسلامی در معماری مسجد محله با تاکید بر کتیبه و نقوش هندسی". مطالعات هنر اسلامی، شماره ۴، ۸۴-۶۱.

قوچانی، عبدالله. (۱۳۶۶). "تحقیقی بر چوب نوشته‌های ایران". مجله معماری و هنر ایران، شماره ۲، ۱۰-۱.

کرمی مهربان، مهرانگیز؛ نیستانی، جواد. (۱۳۹۳). "پژوهشی در ویژگی‌های معماری و کاربری مجموعه بناهای بافت صفوی دهدشت (بلاد شاپور) استان کهگیلویه و بویراحمد". پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

مبلیان، الهه؛ کیانمهر، قباد. (۱۳۹۳). "تأثیر و تطبیق نقش‌مایه‌های ساسانی بر نقوش سردر مسجد جورجیر آل‌بویه". هنر اسلامی، شماره ۲۰، ۶۰-۴۱.

یغمایی، احسان. (۱۳۸۴). "چند منزلگاه راه شاهی هخامنشی از نورآباد ممسنی تا ارجان بهبهان". باستان پژوهی، شماره ۲، ۴۸-۳۲.

Adkinson, R. (2009). Sacred Symbols, peoples, religions, mysteries Thames & Hudson. 566.

Blair, Sh. (1992). The Monumental Inscription from the Early Islamic Iran and Transoxiana. Leiden: E.J. Brill, 41-45.

Burckart, T. (1954). The Spirit of Islamic Art, Quarterly. A Review of Islamic Culture, Vol. I, no.4, The Islamic Culture Centere, 211.

Khazaie, M. (1999). The Arabesque Motif (Islamic) in Early Islamic Persian Art. Published by Book Extra, London, 137.

Fischbein, E. (1987). Intuition in science and math- emetics, an educational approach. Dordrecht, Kluwer, 114.